

نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

دوره جدید، شماره ۱۵(پیاپی ۱۲) بهار ۸۳

تحلیلی بر مسائل اجتماعی در نخستین داستانهای شاهنامه (داستانهای کیومرث، هوشنگ و طهمورث)^{*} (علمی - پژوهشی)

دکتر حسین آقاحسینی
استادیار دانشگاه اصفهان

و

دکتر رسول ربانی
استادیار دانشگاه اصفهان

چکیده

شاهنامه پس از حمد و ستایش خرد و بیان اندیشه های اعتقادی شاعر، با داستان کیومرث، بعنوان اوّلین کدخدا آغاز می گردد و با داستان هوشنگ و طهمورث، ادامه می یابد، تا این که به داستان جمشید و ضحاک می رسد. در این افسانه ها، مانند دیگر داستانهای شاهنامه، می توان اندیشه های اجتماعی را از دیدگاهها ی گوناگون در بوته نقد قرارداد و آنها را تجزیه و تحلیل نمود.

اهمیت داستانهای اوّلیه شاهنامه از این جهت است که به بررسی اوّلین حکومت بشری و آیین کشور داری می پردازد و دشواریهای آن را نشان می دهد. مهمترین مسائل اجتماعی که می توان در این سه داستان بررسی کرد؛ بدین شرح است :

- ۱- ویژگیهای هر جامعه و چگونگی روابط اجتماعی در آن .
- ۲- شکل گیری کارها بر اساس نیازها و ضرورتها .
- ۳- مشخص شدن کار کرد تأمین نیازها مانند آبادانی شهرها، کشف آتش و آهن.

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۹/۲/۸۳

*تاریخ دریافت مقاله: ۲۸/۵/۸۲

- ۴- برپا کردن شادی و جشن پس از هر موقّیت، بعنوان تشویق و ترغیب وایجاد انگیزه.
- ۵- کارآفرینی و طبقه بندی مشاغل که در آن جامعه ابتدایی چشمگیر و مورد توجه است.
- ۶- امنیت اجتماعی و استقرار مردم در کوه برای تأمین امنیت.
- ۷- ایجاد رودخانه ها و رونق دامداری و کشاورزی، بعنوان یک فعالیت مهم و اساسی برای رونق اقتصادی.
- ۸- جدا کردن حیوانات از همدیگر، بر اساس چگونگی استفاده از آنها و تأمین نیازها.
- ۹- قشربندی اجتماعی و مشورت با موبدان و همکاری با دهقانان.
- ۱۰- بکارگیری شیوه های گوناگون نظامی و چاره جویی در جنگ، برای جلوگیری از خونریزی، پیشگیری از تمرد، ختشی کردن توطئه دشمن و امتیاز گرفتن از او پس از پیروزی، رعایت مقررات مربوط به جنگ، توجه به پیامدهای مثبت جنگ مثل تجربه، آبدیده شدن، مهارت و بکارگیری تدبیر و اندیشه.
- ۱۱- ارتباط بوسیله زبانهای متفاوت و آشنایی با آن، بعنوان یک ضرورت.

واژگان کلیدی: مسائل اجتماعی، کارآفرینی، طبقه بندی، مشاغل، امنیت، قشربندی اجتماعی.

۱- مقدمه

پیدایش هر داستان، افسانه و اسطوره در هر جامعه، در مسائل اجتماعی آن جامعه ریشه دارد. هر قوم و قبیله و ملتی، بر اساس شرایط خاص خویش، داستانهایی می آفیند که متناسب با تغییر و تحولات آن جامعه، شاخ و برگهایی به آن می افزاید و تازمانی که این داستانها زبانی است و مکتوب نشده، پیوسته در حال زایش و ریزش است.

بنابراین، برای بررسی یک موضوع ادبی، باید مسائل اجتماعی و اندیشه های مربوط به آن را مورد توجه قرارداد. برخی از متقدان، در نقد ادبی نیز به این مطلب توجه نشان داده

و به این موضوع اعتبار بخشیده اند، زیرا بدون تردید، محیط اجتماعی و رویدادهای مختلف آن در آثار ادبی تأثیر می‌گذارد چنانکه آثار ادبی در ثبات یا دگرگونی اندیشه‌های اجتماعی اثر مقابل دارد.

از میان فنون ادبی، شعر حماسی و دینی را از جهت ماهیّت، بیش از سایر فنون دارای جنبه اجتماعی دانسته اند زیرا آن را مولود زندگی اجتماعی می‌دانند (نقد ادبی، ص ۴۳). آرزوهای انسان معمولاً دو گونه جستجو می‌شوند. یکی آرزوهایی که انسان آن را در آینده خواستار است و امیدوار است که روزگاری تحقق یابد. دیگر آرزوهایی که تحقق آن را در گذشته می‌پنداشد و آرمانهای خویش را در آن جستجو می‌کند. داستان حماسی، از چنین خاصیّتی برخوردار است. شرح دلاریها، فداکاریها، از خود گذشتگیها یک ملت است که در اسطوره‌ها و افسانه‌ها آمده است. مدینه فاضله‌ای است که آن ملت، در گذشته‌های دور جستجو می‌کند و خواهان تحقق دوباره یک چنین شهر آرمانی است.

یکی از مطالبی که در اسطوره‌ها آمده؛ چگونگی پیدایش انسان و پدید آمدن نخستین حکومت و دسترسی به تمدن و پیشرفت و کوشش‌هایی است که در این راه پدید آمده است. شاهنامه فردوسی که به تعبیری سند هویت ملی ایران پیش از اسلام بشمار می‌رود؛ دارای اسطوره‌ها و افسانه‌ها و سرگذشت‌های تاریخی است که هر چند این داستانها زاده اندیشه فردوسی نیست؛ اما مسلماً موقعیت اجتماعی و سیاسی روزگار این شاعر حماسه سرا، یکی از مهمترین عوامل زمینه ساز سروden این اثر جاوید بوده است و قطعاً مسائل اجتماعی در شکل‌گیری آن تأثیر بسزایی داشته است. (فردوسی و شاهنامه، ص ۶۵-۵۳).

آنچه با عنوان مسائل اجتماعی و مشکلات آن در متون ادب فارسی انعکاس یافته و مورد توجه بزرگان علم و ادب قرار گرفته و به شکل نظم یا نثر در آمده است؛ موضوعی

پژوهشی و تخصصی به معنای امروزی آن نیست و معمولاً مشاهدات این شاعران و نویسنده‌گان از گرفتاریهای جامعه خویش است. به همین سبب راه حل صریح و روشنی هم برای آن ارائه نشده است. اما در جامعه شناسی، برای تجزیه و تحلیل مسائل مختلف و نقد و بررسی آن، معمولاً از روش میدانی (field study) و به شکل توصیفی و تجربی استفاده می‌شود.

بنابراین، با درنظر گرفتن این که بازتاب مشکلات اجتماعی درنظم و نثر از اهمیت آن حکایت دارد و بررسی آن به روش میدانی میسر نیست؛ لذا، این پژوهش به روش اسنادی، به تحلیل مسائل اجتماعی پرداخته است.

در جامعه شناسی، مسئله اجتماعی پدیده‌ای است که در فرایند توسعه و تکامل اجتماعی بعنوان مانع یا عارضه‌ای منفی شناخته می‌شود. زیرا چنین پدیده‌ای مانع توسعه و تهدیدکننده سلامت جسمانی و شادابی روانی، رشد و شکوفایی استعدادها و غیره است که حیات سالم را به پژمردگی و میرایی می‌کشاند. (جامعه شناسی مشکلات اجتماعی، ص ۵).

اگر چه از دیدگاه «مرتن» چنان که در تعریف بالا آمده است مسائل اجتماعی عمدتاً عارضه‌ای منفی است و مانعی بر سر راه رشد و شکوفایی استعدادهاست؛ اما می‌توان دیدگاه دیگری را مطرح کرد که مسئله اجتماعی را صرفاً نمی‌توان ویژگیهای منفی یک جامعه و بعنوان یک معطل تلقی کرد؛ بلکه می‌توان با دیدگاه مثبتی به آن نگریست و آن را پدیده‌ای دانست که بیانگر فکر و آرزو و کوشش انسان برای رسیدن به یک جامعه مطلوب است. پس می‌توان گفت هر مسئله اجتماعی در آغاز معطل یا مشکل اجتماعی بشمار نمی‌آید؛ بلکه حل نکردن درست مسئله، باعث پیداشدن معطل یا مشکل بصورت عینی و عملی می‌شود. بنابراین در این مقاله، که با عنوان «تحلیلی بر مسائل

اجتماعی در شاهنامه «است؛ مسائل اجتماعی بعنوان پدیده‌ای که بیانگر اندیشه‌ها و آرمانهای انسان برای رسیدن به یک جامعه مطلوب است؛ مطرح شده است.

۲- بحث

در همه آثار مکتوب باقیمانده گذشتگان، بنوعی مسائل اجتماعی منعکس شده است بطوری که برای بررسی و تحلیل این آثار، مطالعه و بررسی موقعیت اجتماعی و شرایط محیطی پدید آورندۀ آن، موضوعی لازم و حتمی است. در این زمینه، مسائلی مانند روابط و اوضاع و احوال اجتماعی، تضادهای طبقاتی، اوضاع فرهنگی، موقعیت اقتصادی و سیاسی که در پدید آمدن هر اثر، تأثیر بسزایی دارد؛ باید مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا این مسائل دربارور کردن فکر و اندیشه شاعر یا نویسنده و کیفیت آن اثر، بسیار دخیل است (حماسه حماسه‌ها، ص ۱۷۹).

اگر چه برخی بر این باورند که عصر فردوسی، عصر اندیشه اساطیری نبود و فردوسی نیز هر گاه این اسطوره‌ها را نقل کرده، برای متقادع کردن خوانندگان به توجیه دست یازیده است (از رنگ گل تا رنج خار، ص ۶۴)؛ اما تردیدی نیست که افسانه‌ها، اسطوره‌ها و داستانهای حماسی، بخش مهمی از شاهنامه را دربر می‌گیرد و هر کدام از اینها، بنوعی بامسائل اجتماعی، سیاسی، اعتقادی و اخلاقی شاعر پیوند می‌خورد و این موضوعات درپیدایش این اثر بزرگ نقش اساسی داشته است و در همه اینها، نوعی آرمان و آرزو جستجو می‌شود و به تعبیری صحّت این داستانها را در دایره حقیقت و امکان باید جستجو کرد نه در عرصه واقعیت تاریخی (فردوسی و شاهنامه، ص ۱۱). بنابراین، برای بررسی هریک از داستانهای شاهنامه، می‌توان حضور اندیشه‌های اجتماعی روزگار شاعر و حتی روزگاران دیگر را لمس کرد. در این مقاله که به بررسی و تحلیل سه داستان نخستین شاهنامه می‌پردازد؛ کوشش بر این است که در این داستانها به مسائل و اندیشه‌های اجتماعی از دریچه ای نو نگریسته شود.

۱-۲ - پیدایش اوّلین حکومت در شاهنامه

پیدایش اوّلین حکومت وزندگی اجتماعی که در آن روابط انسانها بر اساس نظم خاصی شکل می‌گیرد؛ با داستان کیومرث آغاز می‌شود. کیومرث مانند بسیاری دیگر از شاهان شاهنامه، مردی است نیرومند، دادگر و آموزگار که کار او پیشرفت و پیشبرد مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و سازمان دادن و سامان بخشیدن به کار و نوآوری است (پژوهشی دراندیشه‌های فردوسی، ص ۶).

طیعه این زندگی اجتماعی و این بهار زندگی دسته جمعی، در برج حمل است و این زمان، آغاز زنده شدن طبیعت و سرسبزی و شادابی است، جهان مردۀ دوباره طراوت خویش را باز می‌یابد و از نو، جوان می‌گردد. این خودیک اتفاق نیست و از سر تصادف پدیدنیامده است.

چو آمد به برج حمل آفتاَب جهان گشت با فر و آیین و تاب

بتایید از آنسان زبرج بره که گیتی جوان گشت از آن یکسره
کیومرث شد بر جهان کدخدای نخستین به کوه اندرؤن ساخت جای
سر بخت و تختش در آمد به کوه پلنگینه پوشید خود با گروه
از او اندرآمد همی پرورش که پوشیدنی نوبد و نو خورش*

در این ایات، چند پرسش به ذهن می‌رسد. نخست این که چرا «نخستین به کوه اندرؤن ساخت جای». ابن خلدون معتقد است که بادیه نشینی اصل و گاهوارۀ تمدن است. زیرا عادت و رسوم شهرها مانند تحمل گرایی و آسایش طلبی، بدنبال عادات و رسومی است که مخصوص کسب وسایل ضروری معاش است. بنابراین موضوع را می‌توان سرآغاز تمدن بشری دانست (مقدمۀ ابن خلدون، ج ۱، ص ۲۲۹).

* تمامی ایات بدون مأخذ در این مقاله از سه داستان اوّل شاهنامه جلد ۱ می‌باشد.

اما این کوه گزینی اویله را می‌توان با موضوع امنیت نیز مرتبط دانست؛ زیرا یکی از مسائل مهم زندگی اجتماعی، مبحث امنیت است. بشر برای ادامه حیات، نیازمند آرامش و مسکن و مأواه آرامی است که در آنجا زندگی کند و کوه در آغاز این زندگی جمعی می‌تواند در پناه غارها، پیش از ساختن مسکن، این نیاز را تأمین کند. اما این کوه نشینی که طبیعتاً بادیه نشینی و زندگی روستایی را بدنبال دارد؛ خود آغاز یک زندگی اجتماعی و سرآغازی برای شهرنشینی است و این همان موضوعی است که ابن خلدون در مبحث علم عمران با عنوان جامعه بدوى و حضرى مطرح می‌کند. از دیدگاه او، تشکیل حکومت، نیازمند زندگی شهری است و این تمدن، نیازمند آرامش و سکونت گزیدن است که بدنبال آن پیشرفت و کمال پدید می‌آید (مقدمه ابن خلدون، ج ۱، ص ۱۰۷).

پرسش دیگر، پوشیدن پلنگینه است و این می‌تواند دو موضوع را به ذهن متبار کند. یکی این که این پوشش از زندگی ساده اویله حکایت دارد و همسانی لباس مردم و پادشاه را نیز مشخص می‌کند؛ زیرا لباس دیگری بجز آن نیست که آنان را از یکدیگر متمایز کند. دیگر این که این لباس می‌تواند بعنوان زره ای برای حفظ جان آنان نیز استفاده شود. زیرا همانگونه که ابن خلدون می‌گوید؛ امنیت، لازمه زندگی اجتماعی است. این لباس بنوعی بیانگر رفاه و کمال جامعه انسانی و سرآغازی برای رسیدن به تمدن و شهرنشینی نیز می‌تواند قلمداد شود که بدنبال آن، تجمیل خواهی و آسایش طلبی و رسیدن به آداب و رسومی است که کسب وسائل ضروری معاش را نیز بدنبال دارد (مقدمه ابن خلدون، ج ۱، ص ۲۲۹).

این پلنگینه می‌تواند موضوع دیگری را نیز به ذهن برساند و آن مبحث توتم است. توتم موضوعی است که اویلین بار هنری مورگان (Henri Morgan) در کتاب جامعه ایراکوا (Iraqois) مطرح کرد که این خود نیازمند تحقیق جداگانه ای است.

همی تافت زو فر شاهنشهی چو ماه دو هفته ز سرو سهی

داد و دام و هرجانور کش بدید
زگیتی به نزدیک او آرمید
دوتا می شدندي بر تخت اوی
از او برشده فره و بخت اوی
به رسم نماز آمدنديش پيش
وزو بر گرفتند آين خويش
(شاهنامه، ص ۲۹)

کيومرث به حکومت می رسد و آرامش و امنیت و آسایش(رفاه اجتماعی) را که لازمه زندگی اجتماعی است؛ برقرار می کند و داد و دام که نمادی از انسانهایی با ویژگیهای متفاوت است؛ فرمانبردار او می شوند و درپناه امنیتی که او پدید آورده است؛ با آسودگی زندگی می کند و او را راهنمای اسوه خویش قرار می دهند. بنابراین، امنیت که اوّلین نیاز هر جامعه است؛ پدید می آید. این مطلب، همان موضوعی است که ساکس (درنیازهای پنجگانه مازلو Sach⁸) درباره تأمین نیازهای جسمانی و حفظ حیات زیستی انسان و امنیت و آزادی به آن اشاره می کند(جامعه شناسی شهری، ص ۱۳۸). در اینجا موضوع دیگری نیز دیده می شود و آن اطاعت از رئیس حکومت است و این یکی از لوّلین نیازهای تأمین امنیت بشمار می رود که در اینجا به سبب زندگی در کوه و همزیستی با حیوانات برای حفظ جان انسانها و امنیت آنان، حیوانات نیز باید مطیع و فرمانبردار حکومت و قوانین آن باشند که این موضوع می تواند در جامعه شناسی داستانهای رمزی نیز تحلیل و بررسی گردد.

به گیتی نبودش کسی دشمنا مگر بد کنش پور اهریمنا

(شاهنامه، ص ۲۹)

در شاهنامه، دیوان، فرزندان اهریمن، موجودات پلید و شری هستند که در برابر زاده های اهورامزدا، دست به فتنه و آشوب می ازند. این دیوان، رمزی برای انسانهای شرور و فتنه گر بشمار می آیند.

تو مر دیو را مردم بدشناس کسی کو ندارد زیستان سپاس

هر آن گشت کو از ره مردمی ز دیوان شمر مشمرش آدمی

(شاهنامه، ج ۴، ص ۳۱۰)

هر حکومتی، خواه ناخواه دشمنانی دارد. در اینجا نیز آغاز این دشمنی از سوی اهريم و دیوان است که سرانجام آن کشته شدن سیامک به دست دیوهاست. بطور کلی تا زمانی که منافع انسانها با خطری مواجه نشود؛ همه در صلح و دوستی بسر می بردند. اماً به محض این که گروهی احساس کند به منافع او زیانی وارد می شود؛ دشمنی و ستیزآغاز می گردد. در حقیقت روابط انسانها تابع شرایط زمانی و مکانی است که با تغییر آن، روابط آدمیان نیز دگرگون می شود. رشك و حسد و صفات ذمیه انسانی نیز گاهی سرمنشأ این تحولات است.

به رشك اندر آهرمن بدسگال همی رای زد تا پالید یال

جهان شد بر آن دیو بچه سیاه زیخت سیامک و زان پایگاه

سپه کردو نزدیک او راه جست همی تخت و دیهیم کی شاه جست

(شاهنامه، ص ۲۹)

اهريم که ذات‌بُداندیش و پلید است؛ به سبب حسد و رشك، کینه سیامک رادرد پروراند و کوشید تا تخت و تاج و حکومت او را به دست گیرد. به همین سبب، سپاهی از دیوان (انسانهای شرور و فتنه‌گر) را گرد آورد و به جنگ او برخاست.

اماً اگر چه جنگ در ذات خود ناپسندیده و مکروه است؛ اماً معمولاً نتایج و تجربیات ارزشمندی بدنیال دارد که گاهی در داستانهای شاهنامه، فردوسی به آن اشاره کرده است. برخی از محققان معاصر، جنگ و شهادت در آن را بیش از صلح و نوععدوستی منشأ تحولات بزرگ دانسته‌اند. به نظر آنان، جنگ آزمون خوبی است و تنها رقابت درست بشمار می‌آید.

جنگ، یک جشن تمام عیار و به معنای جامعه شناختی کلمه، یک « اور گیا » ی مقدس و بزرگ است. جنگ، انسان را از زندگی روزمره جدا می کند و در فضای مادی و روانی غیر متعارفی قرار می دهد و بیش از هر چیز، منبع شور و هیجانی بی نظیر است (جامعه شناسی جنگ، ص ۶۵-۶۸).

اینها خود می توانند سرمنشأ تحولات و ابتکارات و نوآوریهایی تازه بشمار آید . در این داستان، به یک نکته مهم دیگر نیز باید اشاره کرد و آن دریافت حقایق پنهان از طریق غیب و الهام است و این پشتونه مهم دینی و مذهبی بشمار می رود که در اسطوره ها کم و بیش، به چشم می خورد . سیامک نیز از طریق فرشته غیبی، از نیرنگ دیوان آگاه می شود.

یکایک بیامد خجسته سروش بسان پری و پلنگینه پوش

بگفتن ورا زین سخن در بدر که دشمن چه سازد همی با پدر

و بر، از جامعه شناسان معاصر، یکی از کسانی است که به این موضوع یعنی پشتونه مذهبی در حکومت اشاره می کند و می گوید: « فعالیت مذهبی، شیوه عمل سمبولیک و استراتژیک برای حیات معاصر اجتماعات محسوب می شود ». او می گوید مشاغل در آغاز، شکل مذهبی به خود می گیرند؛ زیرا که اوّلین نقش سازمان اجتماعی انسانی به شمار می آیند و روابط آنها از لحاظ قدرت و مشروعیت در این راستا معنا می یابد (Lethique protestante et l...، ص ۱۱۴-۱۱۵). از نظر وبر، الهام، کلید فهم از تاریخ مذهب است و این نظریه، محور اصلی پویایی مذهبی بشمار می رود . این پویایی درباره فعالیتهای شغلی، عقلانیت باورها و عمل و انتباط آنها با نیازهای (مأخذ قبل، ص ۴۸۸-۴۸۹).

پس از مرگ سیامک، کیومرث و لشکریان وی سوگوار می شوند و سالی را به سوگواری در کوه می گذرانند ؟ اما در هر حال این پیش آمد ها در زندگی انسانها پدید

می آید و نمی توان به سبب آن از کار و کوشش دست برداشت . اینجا نیز الهام به مدد انسان می شتابد تا راه چاره را به او بنمایاند.

نشستند سالی چنین سوگوار پیام آمد از داور کردگار
درود آوریدش خجسته سروش کزین بیش مخروش و باز آر هوش
سپه ساز و برکش به فرمان من برآور یکی گرد از آن انجمن
از آن بدکنش دیو روی زمین پرداز و پرداخته کن دل ز کین
کیومرث از طریق الهام درمی یابد که باید از دیوان انتقام بگیرد و آنان را سرجای خویش بنشاند و این مبارزه که کاری لازم و ضروری است؛ از این راه جنبه مذهبی می یابد.

اما موضوع دیگری که در این بخش از داستان مطرح شده ؛ این است که پس از یک سال دردها التیام یافته و تسکین پیدا کرده است . در این زمان، دستور مبارزه صادر می شود و این نشان می دهد که برای چنین مبارزه ای باید از خشم و هوی دوری کرد تا بتوان خردمندانه تصمیم گرفت ؟ زیرا هنگام خشم و اکینه ، عقل و خرد جایگاه واقعی خویش را از دست می دهد . می توان گفت به همین سبب در این یک سال ، الهامی برای مبارزه نرسیده است .

بنابراین ، کیومرث اوّلین کسی است که با دیوان به جنگ برمی خیزد . دیوان نیز در مقابل اودست به انتقام می زند . اما نکته مهم در این راه ، مبارزه خردمندانه است .

« گاستون بوتول » براین باور است که :
« شما باید صلح را مانند ابزاری برای جنگهای جدید دوست بدارید و کوتاه مدت ترین صلح را انتخاب کنید . شما می گویند که انگیزه خوب ، جنگ رامشروع می کند ؛ من می گویم جنگ خوب هر انگیزه را مشروع می کند جنگ باید بی رحمانه و عاری از ترحم باشد تا نتیجه قطعی حاصل شود . تهور و سنگدلی ، دلاوری ، خدعا ، نیرنگ ،

هوشیاری و دریک کلام قدرت، تنها فضیلتهایی است که در جنگ پسندیده است
«جامعه شناسی جنگ، ص ۱۴».

کیومرث سر به آسمان برمی دارد و نابودی دیوها را از خدا می خواهد. سپس برای جنگ کمر می بندد.

کی نامور سر سوی آسمان
برآورد و بدخواست بر بدگمان

بر آن برترین نام یزدانش را
بخواند و بپالود مژگانش را

وزان پس به کین سیامک شتافت شب و روز آرام و خفتن نیافت

این داستان با معروفی هوشنگ فرزند سیامک ادامه می یابد. او لین ویژگی دومین پادشاه شاهنامه، داشتن هوش و فرهنگ است و کیومرث برای جنگ با دیوان با او به مشورت می نشیند و همه رازها و اسرار را با او درمیان می گذارد. یکی از این رازها، استفاده از همه امکانات برای جنگی تمام عیار در راه این مبارزه است.

در این داستان نیز به نظر می رسد فردوسی می خواهد بگوید، لشکریان دیوان بسیار قوی بوده اند؛ بنابراین خرد حکم می کند که با آمادگی کامل باید به جنگ آنان شتافت. بدین سبب، کیومرث با دوراندیشی، از همان آغاز برای پیروزی گام برمی دارد و لشکریانی از پریان، حیوانات و پرندگان آماده می کند. نکته دیگری که در این قسمت داستان مطرح شده؛ استفاده از لشکریانی از جنس دیوان است و آن پریان هستند و این ابزار بسیار مهمی است که می تواند پیروزی را بدنیال داشته باشد. اما شگفت این است که از لشکریان انسانی، سخنی به میان نمی آید. فقط هوشنگ جلودار لشکر است و کیومرث پس لشکر حرکت می کند.

سپاهی ددو دام و مرغ و پری سپهبدار پرکین و کند آوری

پس پشت لشکر کیومرث شاه نبیره به پیش اندرون سپاه

دراينجا می توان چنین گمان برد که درنبرد پيشين، انسان در مقابل ديوان شکست خورد؛ بنابراین براساس حکم خرد، بایداز شيوه اى جديدو تاکتىكى نواستفاده کرد تا پيروزى مطمئنتر باشد.

بهم برشکستند هردو گروه شدند از دد و دام ، ديوان ستوه

در مباحث جامعه شناسی جنگ (polemology)، جنگ و سیز دارای کارکردهای مثبت و منفی یا مناسب و نامناسب است. جنگ اگر چه موجب تلف شدن نیروهای انسانی و امکانات مادی می گردد؛ اما تأثیر روانی - اجتماعی مثبتی برآفراد جامعه خواهد داشت . یکی از کارکردهای مثبت آن، انسجام اجتماعی است که باعث از میان رفتن پدیده بی تفاوتی می شود. جنگ می تواند خلاصه‌ها را شکوفا کند یا باعث آبدیدگی روان و جسم شود. از اين رو بسیاری از کشورها، موقعيت‌های فنی و صنعتی امروزی خود را مديون جنگهاي گذشته خود می دانند .

از کارکردهای دیگر جنگ اين است که هردو طرف جنگ، هدف خود را بر پيروزی طراحی می کنند. بنابراین همه نیروهای خود را برای بکارگیری امکانات انسانی، فنی و خدماتی بسیج می کنند و این خود، زمینه ساز وحدت ملی و مشارکت اجتماعی می شود . اينها مطالبي است که از لابه لای اين داستانها می توان دريافت.

از سوی دیگر در جنگ، همه مسائل انسانی رعایت نمی شود و چون هدف نهايی پيروزی است؛ گاهی هدف نيز وسیله را توجيه می کند و از هر عامل یا پدیده اى برای نيل به هدف استفاده می شود.

سرانجام در اين داستان، فردوسی به اين نتیجه می رسد که جهان با همه پستی و بلندیهايش، فانی و گذر است و نام انسان همراه با نیک و بد او باقی می ماند.

۲-۲ - داستان هوشنج

جهاندار هوشنج با راي و داد به جاي نيا تاج بر سر نهاد

هوشنگ در چهل سالگی به تخت می نشیند و این خود در رمز اعداد جای تأمل دارد. می توان آن را نشانه کمال و پختگی دانست . هوشنگ کار خویش را فرمان خدا و پشتیوانه آن را نیز اطاعت از او می داند.

به فرمان یزدان پیروزگر به داد و دهش تنگ بستم کمر
وزان پس جهان یکسر آباد کرد همه روی گیتی پرازداد کرد

بنابراین، فردوسی یکی از علل مهم پیروزی را، پشتیوانه خدایی می داند و آن را زمینه عدالت و دادگستری بشمار می آورد. موضوعی که حتی در جامعه شناسی معاصر نیز به آن اشاره شده است .

(فعالیت مذهبی «شیوه سمبیلیک »و«استراتژیک»، برای حیات معاصر اجتماعات محسوب می شود) (Sociologie des professions، ص ۱۱۵). موضوعی که وبر، بیش از دیگران بر آن تأکید می ورزد. پیروزی یک گروه را بر گروه دیگر به معنای غلبه خدایی قوی برالله های ضعیف می شمارد و مفهوم سخن او این است که در همه گروهها، پشتیوانه مذهبی و خدایی، حتی به شکلهاي ناقص دیده می شود . زیرا وی می گوید شکل این الهه براساس موقعیتهای متفاوت ، دگرگون می شود (ethique protestante...) (۴۴۲-۴۴۹).

این پشتیوانه الهی، سرآغاز پیروزیهای شگفت و مهمی است که با کشف آتش پدیدار می شود . کشف آتش را باید یکی از سرنوشت سازترین دستاوردهای بشری بشمار آورد که خود زمینه ساز پیشرفت و تمدن و کمال و سبب پدید آمدن شغلهاي جدید است . این کشف، براثریک حادثه پدید می شود. در این عالم پراز رمز و راز، همیشه گوشه هایی از اسرار جهان بر مردم ظاهر می شود؛ لذا هوشنگ از آین ظهور که سرنخی برای رسیدن به حقیقت است ؛ به مقصد اصلی راه می یابند . شاهنامه هوشنگ را «پراز هوش مغز و پراز رای دل » معرفی می کند ؛ بنابراین هنگامی که ماری بزرگ بر سر راه او

ظاهر می شود؛ با سنگی به وی حمله می کند. سنگ برسنگ دیگری می خورد، فروغی از دل آن سنگ پدید می آید. اگر چه مار کشته نمی شود؛ اما رازی بزرگ برای انسان کشف می گردد.

نشد مار کشته ولیکن ز راز از این طبع سنگ، آتش آمد فراز

هوشنگ که با فرمان خدای برای داد و دهش کمر همت بسته است؛ پس از این پیروزی بزرگ که آن را لطف خدا و فروغ ایزدی می داند؛ جشن و سرور بپا می دارد و به درگاه خدا نیایش می کند و جشن سده به همین مناسب پدید می آید و برگزار می شود.

دور کیم، هدف جشنها را تحکیم همبستگی گروهی و اتحاد بین آنان می دارد، که با تکرار آن و تجدید ادوازی، پیوستگی و وحدت بین اعضای یک گروه را پایدار می کند؛ اگرچه ممکن است در جشن، گاهی قواعد اخلاقی و محرمات نیز زیر پا گذاشته شود؛ زیرا جشن مناسکی است که با هیجان جمعی و گاهی نیز هیجان شدید و خشونت و خوشحالی زاید الوصف همراه است و نوعی بی حسی و رخوت جسمی ایجاد کند (جامعه شناسی جنگ، ص ۶۵). البته در جشنها شاهنامه، هیچگاه به این ویژگیهای منفی جشن اشاره نشده اما جنبه های مثبت آن گاهی پدیدار است. این جشنها بیشتر جنبه تشویق و ترغیب دارد.

۳- پیدایش مشاغل

کشف آتش، مایه برکت فراوان و سبب پیدایش مشاغل جدید شد. اوّلین پیشه ای که در شاهنامه پس از کشف آتش و بدنبال آن آهن پیدا می شود؛ آهنگری است که این خود زمینه ساز حرفة های تازه ای است که باید در جامعه شناسی کار و شغل بررسی و تحلیل گردد.

چو بشناخت آهنگری پیشه کرد از آهنگری اره و تیشه کرد
زدریای ها رودها را بتاخت چو این کرده شد چاره آب ساخت

به جوی و به رود آبه‌ها راه کرد
چراگاه مردم بدان بر فزوود
برنجید پس هر کسی نان خویش
از این پس کشاورزی نیز رونق می‌گیرد و ابزارهای جدیدی پدید می‌آید که کارها را آسانتر می‌کند و زندگی مردم سامان بهتر می‌گیرد؛ اما هوشنگ نیز مانند طهمورث، نام نیک از خود بر جای می‌نهد. او با رنج فراوان با کمک دیگران برای رسیدن به اهداف خویش گام می‌نهد. همه شهرها آبادان می‌شود و مردم را به آسایش می‌رساند و سرانجام از این سرای سپنج رخت برمی‌بنند.

۴-۲- داستان طهمورث

فردوسی در آغاز این داستانها به معرفی شخصیت‌های اصلی آن که نماد آن جامعه به شمار می‌آیند؛ می‌پردازد. در این داستان نیز طهمورث را چنین معرفی می‌کند.

پسر بد مراو را یکی هوشمند گرانمایه طهمورث دیو بند

بیامد به تخت پدر برنشست به شاهی کمر بر میان بر بیست

همه موبدان را ز لشکر بخواند بخوبی چه ما یه سخنها براند

اوّلین نکته‌ای که در پادشاهی طهمورث، اهمیّت دارد؛ نقش موبدان، بعنوان مشاور و پشت‌وانه حکومت اوست. در این دیدار، ابتدا طهمورث برنامه‌ها و اهداف آینده خویش را برای موبدان تشریح می‌کند و با «طرح مسأله»، کارهای آینده را روشن می‌سازد که از جمله آنها پاک کردن جهان از بدیها، کوتاه کردن دست دیوان و انجام کارهای سودمند است. درنظریه‌های قشریندی و طبقه‌بندی اجتماعی، «عمولار» و «جانیون» از طبقات بالا بشمار می‌آمده اند و همیشه نقش اساسی در اداره حکومتها داشته‌اند (جامعه‌شناسی کار و شغل، ص ۱۷۷؛ نظریه‌های قشریندی اجتماعی و ساختار تاریخی آن، ص ۷۶ و ۷۵).

دراینجا نیز نقش موبدان، بعنوان اوّلین مشاوران حکومت مشخص می‌شد. اما م موضوع مهم دیگر دراین بخش، بررسی مسائل و سنجیدن نیازهای است. براساس نظریهٔ وبر، اصل اوّل پیوریتن (Puritain) چنین است که برای حل مسائل، ابتدا باید نیازها را سنجید و مناسب با حیات اجتماعی دست به کارشده... L'ethique (۴۸۹).

یکی از مهمترین کارهای طهمورث، مطالعهٔ میدانی برای ایجاد کار و شغل است. موضوعی که براساس اوّلین پیوریتن عبادت بشمار می‌آید (تغییرات اجتماعی، ص ۸۷).

برنامه‌ها و اهداف طهمورث چنین است.

کنم آشکارا گشایم زند
هر آن چیز کاندر جهان سودمند
برید و به رشن نهادند روی
پس از پشت میش و بره پشم و موی
به گستردنی هم بد او رهنمای
به کوشش از او کرد پوشش به رای
خورش کردان سبزه و کاه و جو
زپویندگان هر چه بد تیز رو
سیه گوش و یوز از میان برگزید
رمnde ددان را همه بنگرید
بیند آمدند آن که به زان گروه
به چاره بیاوردش از دشت و کوه
تریبت حیوانات و پرندگان واستفاده از آنها در راه خدمت به انسان، از جمله ابتکاراتی
است که شاهنامه آن را به طهمورث نسبت داده است و این خود کشفی بزرگ در راه
پیشرفت و کمال بشری است. اما مهمتر از همه این که طهمورث پس از انجام این
کارها و سرو سامان دادن به آن و رسیدن به این موقعیت بزرگ، نیایش به درگاه خداوند
را فراموش نمی‌کند و دیگران را نیز به این کار دعوت می‌کند.
چنین گفت کاین راستایش کنید جهان آفرین را نیایش کنید
یکی از دستورات طهمورث که به انسان دوستی و دینداری مشهود دارد، شهرسب
نام دارد که مشاور و امین اونیز بشمار می‌رود.
چنان بر دل هر کسی دوست بود نماز شب و روزه آین اوست

همه راه نیکی نمودی به شاه همه راستی خواستی پایگاه

پادشاه به سبب داشتن چنین دستوری، از بدیها پاک می گردد و فرّه ایزدی از وجود او تابان می شود . طهمورث به کمک شهرسب، برای مهار دیوان چاره اندیشی می کند و آنها را گرفتار می سازد . بنابراین دیوان به دشمنی با او برمی خیزند و طهمورث نیز به مبارزه سختی با آنها می پردازد. برخی را می کشد و گروهی را اسیر می کند. در اینجا مراحل چهارگانه ایجاد مسأله که یادآور نظریه مرتن است ؛ چنین تحقق می یابد.

۱- مبارزه با دیوان

۲- سرکشی دیوان

۳- مخالفت و مبارزه با طهمورث

۴- شکست دیوان

مطلوب مهم دیگر این است که سرتاسر این داستان ، با یک پشتونه مذهبی تحقق می یابد. از همان آغاز، کارها با مشورت موبدان شروع می شود؛ پس از موفقیت ، دعا و نیایش انجام می گیرد و کارها با مشاورت و همداستانی یک فرد دینی به نتیجه می رسد؛ تا این که سرانجام دیوان به جان زنهارمی خواهندتا در عوض، هنر تازه ای به شاه بیاموزند. پادشاه نیز چنین می کند و از این موقعیت، بعنوان یک دستاورد مهم جنگ استفاده می کند و این خود از اهمیت فراوان بخوردار است؛ زیرا چنان که در جامعه شناسی جنگ به این موضوع توجه شده ؛ جنگ را بیش از نوع دوستی و صلح، منشاء تحولات بزرگ دانسته و آن را آزمون خوبی برای زندگی می پنداشند (جامعه شناسی جنگ، ص ۱۴).

دیوان نیز بنای این خود وفا می کنند و یکی از بزرگترین نیازهای بشری، یعنی هنر نویسنده و خط را به شاه می آموزنند و خط و زبانهای گوناگون را آموزش می دهند.

دلش را به دانش برافروختند
نباشند به خسرو بیامو ختنند
چه رومی ، چه تازی و چه پارسی
نباشند یکی نه که نزدیک سی
زهر گونه ای کان همی بشنوی
چه سعدی ، چه چینی و چه پهلوی
این موضوع نشان می دهد که در حالت ضعف دشمن نیز، می توان بهترین سود را برد
و از موقعیت به نفع خویش بهره جست و حتی از بدترین و خیث ترین دشمنان استفاده
کرد. شاید این موضوع که در چنین مواردی باید از پست ترین دشمنان ، به مطلوبترین
شیوه سود جست؛ تنها توجیهی باشد که در این بخش از داستان در نظر سازندگان آن بوده
است و گرنه این خود نکته مبهمی است که چرا سر منشأ چنین تحول بزرگ یعنی
آموزش خط، باید دیوان ، این موجودات پلید باشند. زندگی طهمورث نیز با به جای
گذاشتن آثار نیک فراوان به سر می رسد و پس از سی سال برای عبور از این سرای
سپنج رخت می بندد.

چگونه پدید آوریدی هنر
جهاندار سی سال از این بیشتر
همه رنج او ماند از او یادگار
برفت و سرآمد براو رفزگار

۳- نتیجه

از آنچه در این داستانها آمده است؛ روشن می شود که پیدایش اسطوره ها و حماسه ها
بیانگر تکامل و پیشرفت اندیشه های اجتماعی بشر در زندگیست . نیازهای بشری در این
راه سبب پیدایش جامعه می شود و هر زمان بر اساس زویدادها و پدیده های اجتماعی ،
نیازی تازه پدیدار می گردد و با تأمین هر نیاز، نیازهای جدید پدید می آید . پدیده ها
دارای جنبه ها و کارکردهای مثبت و منفی یا مناسب و نامناسبند. اما از همه اینها می توان
سود برد و کارکردهای مفیدی را برای جامعه نتیجه گرفت . مثلاً جنگ به خودی خود،
پدیده ای نامناسب است ، اما می تواند نتایج سودمندی را به مراد بیاورد. مثلاً می تواند
نیاز انسان را به تأمین امنیت برطرف کند و به گفته جامعه شناسان جنگ ، جنگ برای

پیدایش صلح وامنیت است. در شاهنامه این موضوع بخوبی روشن است. جنگ می تواند سبب پیدایش شغل ، کارآفرینی و پس از آن، طبقه بندي مشاغل گردد. در زمان صلح نیز آبادانی شهرها و استقرار مردم در مکانهایی که دارای امنیت اجتماعی است؛ صورت می گیرد و شتاب می یابد.

کشاورزی ، دامداری ، صنعت ، آموزش و پرورش در زمان صلح تحقق می پذیرد. آشنایی با زبانهای متفاوت نیز بعنوان یک نیاز در روابط اجتماعی از دیگر نتایجی است که می توان در این داستانها به آن توجه نمود. همچنین قشریندی اجتماعی از جمله مسائل عمده مطرح در شاهنامه است که در این داستانها به آن توجه شده است .



منابع و مأخذ

منابع فارسی

- ۱ - ابن خلدون. (۱۳۴۴). مقدمه ابن خلدون. ترجمهٔ محمد پروین گنابادی. چاپ پنجم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۲ - ادبی، حسین و عبدالمعبد انصاری. (۱۳۵۸). نظریه های جامعه شناسی. چاپ اول. تهران: انتشارات جامعه.
- ۳ - انصاری، ابراهیم. (۱۳۷۸). نظریه های قشریندی اجتماعی و ساختار تاریخی آن. چاپ اول. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- ۴ - بوتول، گاستون. (۱۳۷۶). جامعه شناسی جنگ. ترجمهٔ هوشنگ فرجسته. چاپ سوم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۵ - توسلی، غلامعباس. (۱۳۷۸). جامعه شناسی شهری. چاپ چهارم. تهران: دانشگاه پیام نور.
- ۶ - ----- . (۱۳۷۵). جامعه شناسی کار و شغل. تهران: انتشارات سمت.
- ۷ - رضا، فضل الله. (۱۳۷۴). پژوهشی در اندیشه های فردوسی. جلد اول. چاپ چهارم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۸ - روشه، گی. (۱۳۶۶). تغییرات اجتماعی. ترجمهٔ منصور و ثووقی. تهران: نشر نی.
- ۹ - زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۶۱). نقد ادبی (جلد اول). تهران: انتشارات امیر کبیر.
- ۱۰ - سرامی، قدملی. (۱۳۶۸). از رنگ گل تا رفع خار. چاپ اول. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۱ - فردوسی، حکیم ابوالقاسم. شاهنامه. جلد اول. به تصحیح برتلس. (مشهور به چاپ مسکو) اداره انتشارات «دانش» شعبه ادبیات خاور.
- ۱۲ - کرمی، محمد. (۱۳۷۱). حماسه حماسه ها. تهران: انتشارات ویسمان.

- ۱۳ - مرتن ، رابرت . (۱۳۷۹). *جامعه شناسی مشکلات اجتماعی*. ترجمه سیمین توّلایی .
چاپ اوّل . تهران : انتشارات امیر کبیر .
- ۱۴ - مرتضوی ، منوچهر . (۱۳۷۲). *فردوسی و شاهنامه* . چاپ دوم . تهران : مؤسّسه
مطالعاتی و تحقیقات فرهنگی «پژوهشگاه» .
- 15- Dubar, Claude and Pierre Tripier. (1998). *Sociologie des professions*. Paris: Armand Colin.
- 16- Weber, Max. (1904,1984). *L 'éthique protestante et l' esprit du Capitalisme*, Paris: Plon, trad.
- 17- Tiers-Monde(Revue) (1984). *Le development en question*, Tome, iv, no. 100, Puf, Vendome.

